

# نکته ای دیگر برای همسازی اپوزیسیون

فرهنگ قاسمی



اگر ادعا شود که در حال حاضر در سپهر اپوزیسیون جمهوری اسلامی درجه ناهمگرایی و همینطور، در پاره ای موارد، درجه تضاد به مرحله بسیار بالایی رسیده است برآستی اشتباه نکرده ایم. اگر چه سال هاست که توسط بخشی از فعالین سیاسی و اجتماعی کوشش های زیادی برای نزدیکی و تفاهم در میان اپوزیسیون می شود، اما هنوز نه تنها اپوزیسیون نتوانسته است در خود توازنی ایجاد کند، بلکه گاهی دامنه اختلافات در اثر موضعگیری ها و تحلیل های سیاسی از وقایع تاریخی - سیاسی از حدود و ثغور خود فرا تر رفته و مشکلات اپوزیسیون را افزایش می دهد.

مناسبت های زیادی در تاریخ پر فراز و نشیب ایران وجود دارند که هر مسئول سیاسی و اجتماعی بد رستی نمیتواند نسبت به آنها بی تفاوت باشد. سوال اساسی در این است که از نظر اصولی و در شرائط کنونی جامعه مخالفان جمهوری اسلامی، مرزهای این موضعگیری ها و ضابطه های ارائه تحلیل از حوادث تاریخی توسط کنشگران سیاسی و اجتماعی چه باید باشد ؟

یکی از دوره هایی که این ناهمگرایی ها و تضاد ها به دلیل موضعگیری های کنشگران سیاسی تشدید پیدا می کند ماه مرداد است که در خلال آن دامنه این مشغولیت تاجایی نفوذ می کند که گاهی دشمن اصلی یعنی جمهوری اسلامی فراموش می شود. زیرا در این ماه حوادثی از قبیل ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ انقلاب مشروطیت، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بخشی از کشتار های سال ۱۳۶۷ و بالاخره قتل شاپور بختیار در ۱۵ مرداد ۱۳۷۰، اتفاق افتاده است. به این مناسبت ها همه ساله هرکدام از جریان های سیاسی، به ویژه در خارج از کشور، تحلیل ویژه سیاسی خود را، که گاهی درجه های اختلاف آنها بسیار گسترده هستند، ارائه میدهند و اغلب می کوشند در تحلیل های خود از این روزهای تاریخی برای اهداف سیاسی خود بهره جویند<sup>1</sup>.

اگر این وضعیت ها را زیر ذره بین بگذاریم به فراروند<sup>2</sup> یکی از مشکلات کنونی اپوزیسیون پی می بریم. بطور مثال تحلیلی که طرفداران

نهضت ملی، یعنی مصدقی‌ها، از کودتای ۲۸ مرداد ارائه می‌دهند با تحلیلی که برخی از گروه‌های چپ، بویژه آنهایی که از حزب توده منشعب شده‌اند، با تحلیلی که طرفداران جنبش سبز، بویژه آن‌هایی که در خط خمینی قرار دارند و تمام این سی سال اخیر در رژیم جمهوری اسلامی به تطهیر آیت الله کاشانی و تنفیر مصدق پرداخته‌اند، با تحلیلی که سلطنت طلبان و طرفداران خط امریکا از آن دارند تفاوت‌های عمیقی وجود دارد، همین امر در باره قتل بختیار از ابعاد دیگری برخوردار می‌شود و برای مدتی نیروهای فعال را به‌در داده و گاهی برای سال‌ها زمینه‌های نزدیکی را با برخی بکلی تخریب و با پاره‌ای دیگر ناهموار می‌کند.

از سویی دیگر هر کدام از این سیاسیون برای مشروعیت دادن به نحله فکری - سیاسی خود، نظرات و تحلیل‌های خود را به عنوان حقیقت مطلق به جامعه عرضه می‌کنند و اکثراً در اثر پافشاری بر روی آرمان‌های خود و تحلیل نکردن شرایط مشخص هر حادثه در تناسب با تمامی داده‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماسی و بدون در نظر گرفتن توازن قدرت‌های جهانی هر زمان از ارائه یک قضاوت منطبق با واقعیت بدور می‌افتند.

براستی سالیان درازی باید تا این رفتار سیاسیون در امر دخالت در تاریخ و فرهنگ اصلاح گردد تا از موارد تاریخی و مسائل فرهنگی بعنوان ابزار سرکوب و تبلیغات علیه رقبای سیاسی استفاده نشود و این افراد حقیقی یا حقوقی قضاوت‌ها و تحلیل‌های سیاسی را بعهدده صاحبان تخصص و پژوهشگران بی‌غرض بگذارند.

اگر شناخت درست، از واقعیت‌های تاریخ، حق مردم و حق جامعه بشری است. پس این شناخت بایستی مبنای علمی و پژوهشگرانه داشته باشد، زیرا تاریخ هر جامعه زیر بنای رشد فرهنگی و بنیاد سازندگی فردای آن را تشکیل می‌دهد و باورهای مردم را در باره گذشته خود شفاف و روشن می‌سازد. بنظر می‌رسد همانقدر که جدایی دین و دولت در امر دموکراسی مهم است همانقدر هم جدای تاریخ نگاری از سیاست و مکتب و مسلک و دین برای پیشبرد دموکراسی اهمیت دارد. نگاهی به تاریخ ملل بسادگی نشان می‌دهد که دست تاریخنگاران وابسته به قدرت‌ها و پژوهشگران نوکرماپ بسادگی رو شده است. بنابراین هر فرد سیاسی با اخلاق بایستی از فرجام‌های ناروای این مخاطره آگاه باشد.

ضروری است که تاریخنگاران و تاریخ‌شناسان و تحلیل‌گران سیاسی و تاریخی و همینطور کسانی که از دور و نزدیک با این وقایع آشنایی

دارند برای حفظ حافظه تاریخی و تدقیق بیشتر در یافتن دلائل و علت ها، با استفاده از شیوه های علمی و تطبیقی نتایج پژوهش و تفحصات خود را انتشار دهند. اما هیچ ضرورتی ندارد که زنان و مردان سیاسی که دست اندر کار مشارکت و همزیستی و همسازی اپوزیسیون هستند با وارد شدن به این موضوعات زمینه های "پُلّه میک" را در میان خود بوجود آورند و به تضادهای لجام گسیخته دامن بزنند. دامن زدن به این تضادها نه تنها هیچ نتیجه مثبتی برای اپوزیسیون ندارد بلکه مردم عادی را سردرگم کرده و این سردرگمی باعث سرخوردگی و این سرخوردگی موجب عدم اعتماد مردم نسبت به فعالان سیاسی می شود. مردمی که در این سال های اخیر بعلت فساد و نادرستی و رفتار خلاف اخلاقی مسولان جمهوری اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه از یکسو و برخی از فعالان اپوزیسیون از سوی دیگر بشدت نسبت به سیاست و سیاسیون بی اعتماد شده اند. یکی از کوشش های درجه اول کنشگران اپوزیسیون باید جلب اعتماد مردم از طریق رفتار و گفتار و کردار درست خود باشد. باید با تمام نیرو و امکانات کوشید تا مردم نسبت به سیاسیون اعتمادی واقعی پیدا کنند. اگر بطور جدی برای این اعتماد سازی کار نشود موتور آلترناتیو سازی که امروز خوشبختانه از سوی بسیاری از نحلّه های سیاسی به حرکت در آمده است به درستی نخواهد چرخید. پس بی تردید پا نهادن در جرگه "پُلّه میک" بسود مبارزه امروز ما با جمهوری اسلامی نیست و ما را از هدف اصلی دور خواهد ساخت.

در اینجا دو نتیجه بدست می آید :

اول اینکه طبیعی است که افراد شاخص سیاسی و اجتماعی و بویژه سازمان های سیاسی اگر لازم دیدند نسبت به حوادث تاریخی موضعگیری کنند، اما شاید بهتر باشد تحلیل های تاریخی و جامعه شناختی خود را به عهده متخصصان بگذارند.

دوم آنکه همیشه در این مناسبت ها برخی پیدا می شوند که سال هاست در خواب زمستانی بسر می برند یکباره بیدار می شوند و با نوشتن مطلبی خصومت خود را نسبت به مخالفان دیرین خود ابراز می کنند و بیماری و ناسلامتی خود را در سطح اپوزیسیون اشاعه می دهند، شاید بد نباشد که در برابر این کسان خاموشی گزید. زیرا در میان این افراد کسانی یافت می شوند که زمینه های حملات خود را یا از عدم انسجام تعادل در اخلاق و تزلزل در زیر بنای فرهنگی و کمبود انعطاف پذیری در ساختار فکری فرا آورده اند، یا اینکه محتوی خرد رفتاری آنان از حوزه ایجاد نه همسازی و دامن زدن به تضادها فرا تر نرفته پس به ناچار از قضاوتی متعادل برخوردار نیستند. **3**

شاید رعایت این نکته مهم که برای دمکراسی و سلامت مناسبات متعادل اجتماعی مهم است بتواند موجب انسجام همسازی در جامعه اپوزیسیون جمهوری اسلامی برای بر زمین زدن آن شود.

---

1- این ها نمونه هایی هستند که بدان ها می توان قیام ملی سی تیر ۱۳۳۱ و کودتای نوژه در ۱۸ تیر ماه، کودتا علیه دولت آقای ابوالحسن بنی صدر، نخستین رئیس جمهور ایران در خرداد ۱۳۶۰ ... را اضافه کرد

2 - مفهوم ترجمه‌ی کلمه process از محمد حیدری [ملایری است که فراروند را بجای فرایند پیشنهاد می کند که به نظر نویسنده این سطور مفهوم درست تری از این عبارت است.

3 - نگاه کنید به

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&view=article&id=5525:2011-09-22-16-37-39&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&view=article&id=5525:2011-09-22-16-37-39&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)